

فرش کلاردشت

فاطمه کاوسی

محقق و مدرس فرش - صنایع دستی استان مازندران (چالوس)

۱- مقدمه

کلاردشت منطقه‌ای است کوهستانی، واقع در شمال کشور، استان مازندران، شهرستان چالوس؛ که آوازه زیبایی و جاذبه‌های طبیعی آن از مدت‌ها پیش به دیگر مناطق ایران رسیده است. این منطقه اگر چه در گذشته نیز برای شاهان، امرا و شهروندان ایرانی ناآشنا نبود، سابقه فرش‌بافی در آن به قرون سوم و چهارم هجری و قالی‌منالی زدنی «طبری» بر می‌گردد. اما این هنر در اکثر مناطق ایران مهجور و ناآشنا است و تحقیق جامعی در مورد آن صورت نگرفته است. دنیایی که بر قالی این منطقه تصویر شده، دنیایی عشایری و اصیل است که سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و از عشایر کوچنده به مردم روستانشین کنونی به ارث رسیده است. قالی‌های عشایری و ایلی با همه سادگی همیشه دنیایی زیباتر از قالی‌های شهری عرضه می‌کنند و این شاید معجزه طبیعت است. چنان‌که سیروس پرهام در پیشگفتار کتاب قالی بولوردی می‌گوید: «از آنچه ساخته دست انسان است، هیچ چیز در چشم من زیباتر از قالی ایران نیست و از میان خیل بی‌شمار قالی‌های ایران با آن‌همه غنا، ویژگیها، اصالت، رنگ‌آمیزی و نقش‌پردازی، بافته‌های



روستایی و عشایری را زیباتر و اصیل تر می دانم.» شاید سابقه فرش بافی در طبرستان به قرون سوم و چهارم هجری برگردد، اما بی شک در ادامه و زنده نگه داشتن این هنر کردهای کوچ داده شده به این منطقه نقش اساسی دارند. اکثر آنها از خراسان، کرمانشاه و لرستان هستند. آغاز فرش بافی در کلاردشت با کوچاندن اقوام و ایل خواجهوند توسط سلاطین صفوی، افشار، زندیه و قاجار مصادف است.

قالی های این منطقه ذهنی باف است و از تعدد رنگهای کمی برخوردار است و اعجازی که در ترکیب بندی این رنگها دیده می شود، کم نظیر است. در گذشته تعدد طرحها در منطقه بیشتر بود و قالیها در قالب های متعدد بیشتری بافته می شدند. اما امروز تنها با انواع طرح های «جنگلی» و «سندوقی» روبه رو هستیم. قالیهای این منطقه در گذشته ای نه چندان دور تمام پشم بود، اما امروزه تار پنبه ای و پرز و پود پشمی هستند. رج شمار این قالی ها کم است و پرزها بلند قیچی می شوند. روش چله کشی به شیوه فارسی است (با اندکی تغییرات) اما گره به شیوه ترکی زده می شود (با اندکی تغییرات در شیوه گره زدن). رنگرزی الیاف نیز بیشتر توسط خود بافنده صورت می گیرد. در قدیم حتی تمام مراحل از ریسندگی تا بافت توسط خود بافنده انجام می شد. طرح فرشها، بیشتر هندسی و شاخه شکسته است. نقشمایه ها عشایری و برگرفته از طبیعت پیرامون است که به انتزاع و تجرید گراییده و بر بیکر قالی ها جانی دوباره یافته است.

در گذشته قالی بافی در منطقه، یکی از مهم ترین منابع درآمد ساکنان محسوب می شد و در تمام روستاهایی که اقوام فرش باف ساکن بودند، قالی بافی رواج داشت. کیفیت بالای طرح و رنگ و بافت قالیها چشمگیر بود و در بازارهای جهانی مکانی مطمئن برای خویش یافته بود. اما امروزه قالی کلاردشت به دلیل استفاده از رنگهای شیمیایی کم ثبات، تقلب در بافت و پایین آمدن بیش از حد رج شمار دچار افت کیفیت و در نتیجه از دست دادن موقعیت پیشین خود در منطقه شده است.

۲- نگاهی اجمالی به تاریخ و جغرافیای منطقه

۲-۱: موقعیت جغرافیایی

کلاردشت منطقه‌ای است کوهستانی که در غرب استان مازندران و مرکز آن، شهر کلاردشت در ۵۰ کیلومتری جنوب غربی شهرستان چالوس واقع است. وسعت این منطقه کوهستانی در حدود ۱۵۰۹ کیلومتر مربع می‌باشد.

کلاردشت به فتح «ک» (kalardasht)، طبق آنچه در فرهنگ فارسی^۱ آمده، یکی از بخش‌های شهرستان نوشهر واقع در جنوب بخش چالوس است که آب و هوایش متغیر و سردسیر و دارای ۷۸ آبادی و ۲۰۰۰۰ نفر سکنه می‌باشد. البته اخیراً این منطقه از توابع شهرستان جدید چالوس به مرکزیت شهر چالوس، در تقسیمات کشوری گنجانده شده است. شهرستان چالوس شامل شهرهای چالوس، مرزن‌آباد و کلاردشت است.

کلار به فتح «ک» طبق فرهنگ دهخدا به معنی غوک و وزغ می‌باشد.^۲ اینکه چرا نام کلار را بر این منطقه نهاده‌اند خود جای بحث دارد. علی ملک‌پور، نویسنده کتاب کلاردشت چنین می‌گوید: «یک احتمال آن است که در این دشت زمین‌های باتلاقی وسیعی وجود دارد که اصطلاحاً «لش» (Las) نامیده می‌شود. این زمینها محل تجمع و تراکم انواع غوک و وزغ هستند. روستایی به نام «لش سر» نیز هم اکنون در کلاردشت وجود دارد. چه بسا در گذشته وسعت چنین زمین‌هایی بیشتر بوده و این محدوده مملو از جانوران مزبور بوده است و نام دشت به این سبب به کلار و بعدها به کلاردشت شهرت یافته است».^۳ قلعه و دژی باستانی نیز در این منطقه با نام کلار موجود است که بقایای آن در حال حاضر در جنب محله «لاهور» دیده می‌شود. همچنین پهلوانی افسانه‌ای نیز در مازندران می‌زیسته با نام «کلاهور»^۴ (به فتح ک و ضم ه) که نامش بی‌شبهت به نام کلار نیست! اگر خاک کلاردشت، همان کلار قدیم باشد، از قدیم حد فاصل میان دیلمان و رویان و زمانی جزو خاک رویان یا رستم‌دار بوده است^۵ و زمانی نیز در تقسیمات کشوری ایران، رودخانه چالوس حد فاصل دیلمستان و طبرستان بوده است. در حال حاضر مرزهای شمالی و غربی کلاردشت به نواحی تابع شهرستان تنکابن محدود می‌شود که حد فاصل این دو ناحیه را منطقه‌ای با جنگل‌های انبوه و سرسبز در بر می‌گیرد. جنوب کلاردشت نیز از قلّه تخت سلیمان تا

گردنه کندوان در جاده چالوس- کرج به خطالرأس اصلی البرز محدود می‌شود و در واقع با نواحی کوهستانی تابع شهرستان کرج همجوار است. در شرق، رود چالوس کلاردشت را از کجور که از توابع شهرستان نوشهر است، جدا می‌کند.

کلاردشت از قدیم طبق آنچه در سفرنامه مازندران و استرآباد آمده است شامل سه منطقه یا سه دهستان^۶ به نامهای کلاردشت (میان بشم)، بیرون بشم^۷ و کوهستان بوده است.

دهستان کلاردشت: این دهستان در فرهنگ معین چنین معرفی شده است که یکی از دهستانهای بخش کلاردشت است که قسمتی دشت و قسمتی دیگر کوهستانی است و رودخانه سردآبرود از وسط دشت می‌گذرد. این دهستان دارای ۲۵ آبادی و در حدود ۱۰۰۰۰ نفر سکنه می‌باشد. مرکز دهستان قصبه «حسن کیف» است. این دهستان با مرکزیت «کردیچال»، وسعتی در حدود ۶۰۰ کیلومتر مربع دارد که شام دشتی است با ۱۳ کیلومتر طول و ۱۰ کیلومتر عرض و محصور در میان کوههای جنگلی در دامنه شمالی توده معروف تخت سلیمان از سلسله جبال البرز، شهر کلاردشت (مرکز شهر) نیز در این دهستان واقع است.

دهستان بیروم بشم: وسعت این منطقه در حدود ۱۷۱ کیلومتر مربع است با مرکزیت روستای «گویترا». این منطقه از لحاظ مورفولوژی سرزمینی بریده، بریده و یا عوارضی از نوع تپه‌های پراکنده است. شهر «مرزن‌آباد» نیز در این دهستان واقع است.

دهستان کوهستان: این دهستان تا پیش از تقسیمات کنونی به کوهستان غرب و کوهستان شرق تفکیک می‌شد و مرکز آن روستای «طویر» است. وسعت این ناحیه در حدود ۷۳۸ کیلومتر مربع است و فاقد منطقه شهری است.

۲-۲- نگاه کوتاه به تاریخ کلاردشت

قدیمی‌ترین ساکنان مازندران فعلی و طبرستان پیشین تپوری‌ها و آماردها بودند. همان‌طور که در اسناد تاریخی آمده نام طبرستان نیز از تپورستان گرفته شده است.^۸ کلار نیز شهری در تپورستان بود. چنانکه در تاریخ نیز نام شهر کلار به عنوان شهری آباد در طبرستان یا تپورستان ثبت شده است. به گفته تاریخ‌نویسان قدیم طبرستان ناحیه‌ای کاملاً آباد در ایران بوده که در آن حتی یک

زمین خراب یافت نمی‌شد. بیست و هفت شهرآباد در زمان بعد از اسلام در طبرستان معرفی شده است که در میان آنها می‌توان «کلار»، «رویان» و «نما» را نام برد.

در کلاردشت و در حاشیه شرقی سردآبرود، در بدنه صخره‌ها چند غار طبیعی بزرگ که محل استقرار بشر در دوره غارنشینی است وجود دارد. آثار و اشیاء باقیمانده از اقوام ساکن در این منطقه نشان‌دهنده زندگی در ورای دژها و استحکامات طبیعی و سخت‌گذر است که این مردم را از حوادث و ناگواری‌هایی، که در طول تاریخ مردم دیگر نواحی ایران را به طور مکرر تهدید می‌کرد، مصون داشته بود.

ساکنان قدیمی و ماقبل تاریخ طبرستان مردمی متمدن بودند. زمانی که آریاییان بر این مردم چیره می‌شوند، آنان می‌گویند: «ما را نکشید؛ به پاداش. ما چیزی را به شما می‌آموزیم که شما از آن بهره ندارید». آن چیست؟ «دبیره است» و نگارش. دبیره یا خط یکی از مرحله‌های بسیار برجسته بنیادین در تاریخ و تمدن پس از پیدایش زبان است. پس مردمی که در گذار فرهنگی خود به چنان پیشرفتی رسیدند که دبیره را پدید آورند می‌باید مردمی باشند بسیار فرهیخته و فرهمند.

بعد از تسخیر این منطقه توسط آریاییان، ساکنان قدیمی آن با این اقوام در آمیختند و این برآمیختن هنر و فرهنگ آنها نیز بی‌تأثیر نبود. همان‌طور که در اسناد تاریخی آمده بعد از ورود آریاییان به این منطقه اشکال روی سفال تغییر کرده و طرح شکار حیوانات و انسان در روی سفال جان گرفته است. طبرستان بعد از ورود آریاییان جزو سرزمین و قلمرو مادها قلمداد می‌شود.

دیاکونوف، محقق روسی، حدود بیرونی سرزمین ماد را چنین توصیف می‌کند: «ماد باستان از سمت شمال غربی با اورارتو (ارمنستان) و از طرف شمال با آلبانی هم‌مرز بود و در امتداد کرانه دریای خزر به وسیله حاشیه مرطوب و جنگلی نواحی تاسی و کادوسی واقع در آن طرف رشته کوه‌های البرز که اینک گیلان، تالش و مازندران نامیده می‌شوند، محدود می‌شود، در مشرق ناحیه کوهستانی خراسان با سرزمین باستانی پارت، خاک ما را از آسیای میانه جدا می‌کرد»^۹.

۳- تاریخچه فرش بافی کلاردشت

فرشته کلاردشت از جمله فرشهایی است که در میان خریداران و دوستداران قالی ایران مهجور و ناآشنا مانده است و آنچه از تاریخچه فرش بافی این منطقه در دست است بیشتر گفته‌هایی است که سینه به سینه نقل شده است.

به طور کلی، در شمال کشور به علت اشتغال مردم به کشاورزی و مساعد نبودن نوع محیط برای کار قالی بافی، ساکنین این منطقه فرش باف نیستند. اصولاً فرش بافی در تاریخ از مناطقی آغاز شد که محیط مناسبی چون مراتع فراوان برای پرورش بز و گوسفند داشت و آب و هوایی سرد و خشک. قدیمی ترین سندی که به فرش بافی در مازندران اشاره می کند بعد از قرن چهارم در آثار البلاد قزوینی آمده است: «اهالی طبرستان به تربیت کرم ابریشم می پرداختند و به همین جهت ابریشم بسیار از آنجا صادر می شد. پارچه های پشمی و فرش و انواع پوشاک و دستار نیز در آنجا بافته می شد».^{۱۰} در حال حاضر نیز در ناحیه مازندران تنها منطقه ای که به کار فرش بافی می پردازد و در این کار سابقه ای چند صد ساله دارد و نقوشی مخصوص خود، منطقه کلاردشت است. فرش بافان کلاردشت نیز عموماً کردهایی هستند که به این منطقه کوچانده شده اند.

در حال حاضر ساکنان اصلی کلاردشت به دو دسته «گیل» و «خواجهوند» تقسیم می شوند. خواجهوندها ساکنان فرش باف منطقه هستند. فرش بافی در میان این اقوام موروثی است. گیلها دارای فرهنگ فرش بافی نیستند و تنها کسانی از آنان فرش بافی را فرا گرفته اند که با اقوام خواجهوند در آمیخته اند. اقوام گیل ساکنان بومی کلاردشت و خواجهوندها ساکنان مهاجر منطقه هستند. علی ملک پور در کتاب کلاردشت، جغرافیا، تاریخ فرهنگ درباره مهاجرت های اجباری به منطقه کلاردشت چنین اظهار می دارد که «پس از حمله مغول، یکی از رخدادهای تاریخی برجسته در کلاردشت، پیدایش موج مهاجرت های جدیدی بود که بعدها منشأ تحولات اجتماعی و سیاسی مهم در منطقه گردید. این قضیه به مهاجرت اجباری طوایفی از اقوام لر از غرب ایران به کلاردشت و مناطق همجوار آن مربوط می شود. این گروه ها در کلاردشت عموماً «خواجهوند» نامیده می شوند و بر مبنای هویت قومی قبیله ای در نزد اهالی «ایل» نیز نام گرفته اند. اصطلاح ایل

در برابر «گیل» یا گیلک که بومیان کلاردشت هستند به کار می‌رود.^{۱۱} منوچهر ستوده نیز در کتاب *از آستارا تا آستاراآباد* این مطلب را ذکر می‌کند.

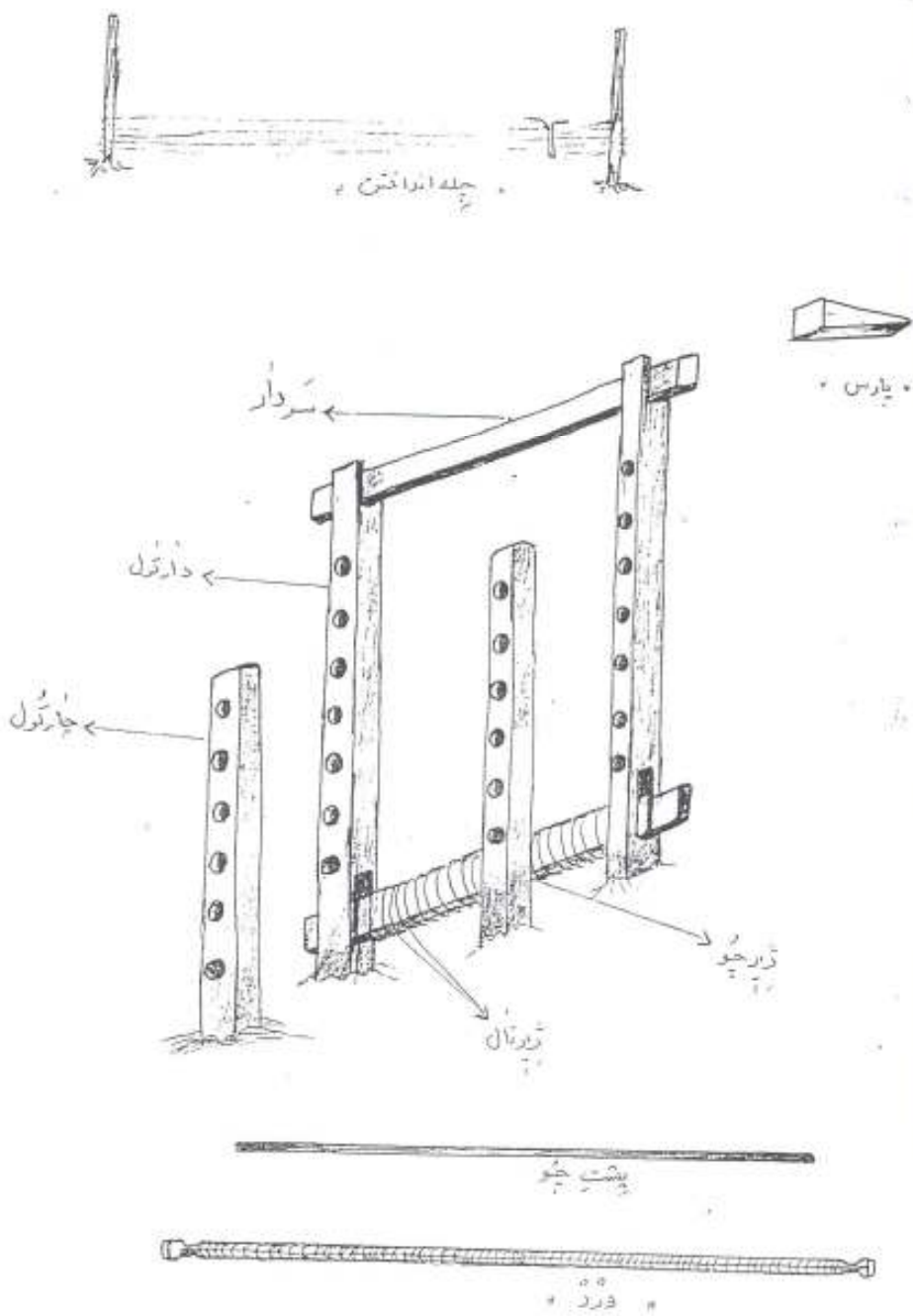
با توجه به همه مطالب گفته شده سابقه فرش بافی در کلاردشت را در محدوده قالی معروف و مثال زدنی طبرستان (طبری) می‌توان جستجو کرد. چنانکه قالی معروف طبری که مورخان قرون سوم و چهارم چون قزوینی (چنانکه در پیش نیز گفته شد) از آن به نیکی یاد کرده‌اند و از جمله قالی‌های نفیس و صادراتی بوده است. اما به طور قطع در گسترش و ادامه حیات فرش کلاردشت، طوایف کرد نقش مؤثری داشتند و چنانکه گفتیم این مهاجران خود دارای «فرهنگ قالی بافی» بودند و این فرهنگ را همراه خود به منطقه هدف کوچاندند.

وجود مراتع همیشه سبز، اقتصاد دامپروری و فرهنگ قالی بافی، یعنی جغرافیایی خوب برای ادامه یک پدیده فرهنگی انتقال یافته باعث شد که قالی بافی در این منطقه جان گیرد، گسترش یابد و ادامه حیات دهد.

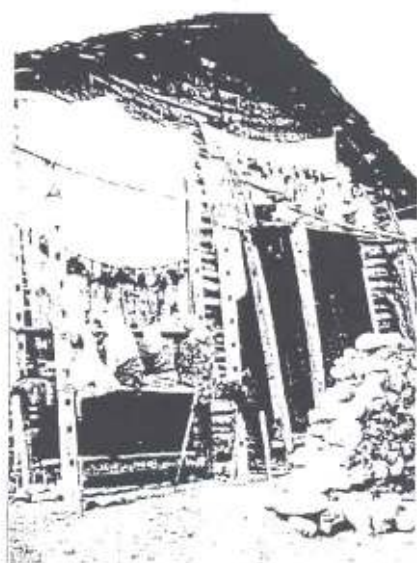
۴- خصوصیات فنی قالی کلاردشت

۴-۱- انواع دار و ابزار بافت

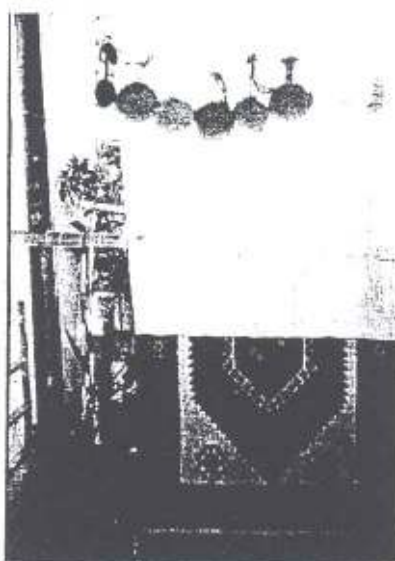
دستگاهی که برای بافت قالی از آن استفاده می‌شود دار قالی بافی نام دارد. دار در حقیقت چارچوبی مرکب از دو چوب عمودی و دو چوب افقی است که به وسیله اتصالاتی در یکدیگر جفت و جور شده و به کمک تمهیداتی به یکدیگر محکم بسته می‌شوند. قالی بر روی این دستگاه جان می‌گیرد و نقش می‌پذیرد. در اشکال ۱ و ۲ دو نمونه از دار دیده می‌شود.



دار چوبی قالی کلاردشت



شکل ۱- دار چوبی ثابت قالی کلاردشت (نمونه قدیمی)



شکل ۲- دار عمودی آهنی قالی کلاردشت (نمونه جدید)

در منطقه کلاردشت از دو نوع دار عمودی قالبی بافی استفاده می‌شود: ۱- دار ثابت، ۲- دار متحرک.

به طور کلی دار عمودی از اجزاء زیر تشکیل می‌شود:

۱- چهارچوبی مستطیل شکل که به طور عمودی بر سطح زمین مستقر می‌شود. این نوع دار از دو عدد چوب استوانه‌ای شکل صاف و محکم تشکیل می‌شود که به طور موازی، یکی در بالا به نام سردار ((Sar-e-dar)) و دیگری در پایین به نام زیر دار ((بن دار «ben-edar)) و دو عدد چوب دیگر که عمود بر این دو چوب قبلی به طور عمودی در زمین فرو می‌رود به نام «راست روها» ((دارکول «darkul)) تشکیل می‌شود. چوب زیر دار از درختی به نام سر گرفته می‌شود که در شرایط جوی مختلف پایداری خوبی دارد.

۲- گوه: قطعه چوبی گونیا شکلی است که در دارهای چوبی ثابت برای محکم کردن دو طرف زیر دار و در شکاف پایین راست روها کوبیده می‌شود و در موقع شل کردن چله‌ها و پایین‌کشی قالبی آنها را بیرون می‌آورند. گوه در منطقه کلاردشت «پارس» نامیده می‌شود.

۳- کجو: چوبی است استوانه‌ای شکل که به اندازه عرض دار قالبی بافی برای تنظیم و تفکیک نخ‌های چله و جلوگیری از کجی قالبی بافی به کار می‌برند. کجو در کلاردشت، ورد (verd)، گرد (gord) و یا نیره نامیده می‌شود که از چوب درختی به نام ال (al) گرفته می‌شود.

۴- هاف: چوب هاف باریک‌تر از چوب کجو است و در بالای آن قرار می‌گیرد که در زمان بود دادن برای زیر و رو کردن چله‌ها از آن استفاده می‌شود. در لهجه محلی به این چوب «پشت چو» (peste co) گفته می‌شود که در گذشته از نی استفاده می‌کردند.

۵- نیمکت: قطعه چوبی مسطح به شکل نیمکت است که بافنده به هنگام بافت قالبی روی آن می‌نشیند.

۶- نردبان: نردبان چوبهایی به موازات راست روها است، دارای سوراخ‌های متعدد که به راست روها متصل است و دو سرنیمکت روی آن قرار می‌گیرد.

ابزار قالبی بافی شامل وسایلی است که بافت به کمک آنها صورت می‌گیرد. این ابزار عبارتند

از:

- ۱- دفتین یا کرکیت (karkit) : وسیله‌ای است برای کوبیدن پودها و گره‌ها و باعث می‌شود آنها در جای خود و در یک ردیف به طور منظم قرار گیرند.
 - ۲- کاردک (kardak) : کاردک یا کارد وسیله‌ای است که به کمک آن گره بافته می‌شود مثل قلاب؛ البته از آن برای قطع نخ خامه در هنگام بافت نیز استفاده می‌کنند.
 - ۳- قیچی: استفاده از قیچی خاصی در این منطقه دیده نمی‌شود. در بعضی جاها از قیچی پشم‌زنی، استفاده می‌شود. در پاره‌ای نقاط از قیچی ترکی و در بعضی مناطق دیگر از قیچی معمولی مخصوص خانه. در هر حال از قیچی برای بریدن پرزهای اضافی و یکدست کردن دم کار و پرداخت استفاده می‌شود.
 - ۴- شانه: شانه وسیله‌ای است که با آن پرزها به جلو کشیده می‌شود و گره محکم در جای خود می‌ایستد. مردم کلاردشت یا از شانه مخصوص این کار استفاده می‌کنند و یا از شانه معمولی.
 - ۵- متر: وسیله‌ای است برای اندازه‌گیری. چون طرح کلاردشت ذهنی‌باف است، اکثر نقشمایه‌ها و طول و عرض ترنج و لچک و غیره به وسیله متر سنجیده می‌شود.
- دار ثابت: این نوع دار چوبی است و برای ساخت آن از چوبهایی استفاده می‌شود که دوام و استحکام خوبی داشته باشند. اندازه این دارها برابر با اندازه طول قالی است و به همین علت معمولاً دارهایی بزرگ هستند که در بیرون از خانه نصب می‌شوند. به همین سبب از این دار معمولاً در فصول بهار و تابستان استفاده می‌شود. البته در مواقع بارانی یا آفتاب شدید روی دار را با پلاستیک محکمی می‌پوشانند.
- در این نوع دار، راست روها (دارکول‌ها) به اندازه ۶۰ سانتی‌متر در زمین کوبیده می‌شوند تا کاملاً محکم شوند و دور آن را با سنگ پر می‌کنند و محکم می‌کوبند و در آخر بر روی آن گل می‌ریزند. دو چهار چوب دیگر که چهار کول نامیده می‌شود را با فاصله ۶۰ سانتی‌متر و به موازات راست روها و به اندازه آنها در زمین می‌کوبند. سردار و زیر دار را در شکافهایی که در داخل راست‌روها برای قرار گرفتن آنها تعبیه شده است قرار می‌دهند و محکم می‌کنند. (طول این شیارها در حدود ۴۰ سانتی‌متر است). پس از آن به وسیله چوبهای کوچکی راست روها به چهار کول متصل می‌شوند و محکم می‌شوند. حالا می‌توان نیمکت را روی این دو چوب قرار داد. البته



بعضی‌ها هم از دو نردبان در دو طرف دار استفاده می‌کنند و نیمکت را بر روی آن قرار می‌دهند. زیر دار را به شکل ویژه‌ای ریسمان پیچ می‌کنند که زیر و پیچ (و به لهجه محلی زیرتال) (zirtal) نامیده می‌شود. چله به این ریسمان دوخته می‌شود و از زیر محکم می‌شود و بقیه چله نیز در بالای دار گره می‌خورد. گوه یا پارس نیز در درون شکافهایی که در راست‌روها برای این کار تعبیه شده کوبیده می‌شود و از آن برای سفت کردن چله‌ها استفاده می‌کنند. هر چه بیشتر گوه کوبیده شود، زیر دار رو به پایین می‌رود و چله کشیده‌تر و سفت‌تر می‌شود. سپس با استفاده از نبشی، قسمت پایین دار را محکم می‌کنند تا مانع خمیدگی دار گردد و بعد از هر ۲۰ سانت بافت نیز چوبهای عمود بر راست رو و چهار کول را یک پله بالاتر نصب می‌کنند تا مکان بافنده بالاتر رود و کار بافت راحت‌تر انجام شود.

دار متحرک یا فلزی: این نوع دار نیز از راست روها، روی دار و زیردار، کوچی، هاف، نیمکت و نردبان تشکیل شده است. جابه جا کردن این دار به راحتی صورت می‌گیرد و بنابراین می‌توان از آن هم در خانه و هم در خارج از خانه استفاده نمود. معمولاً در فصول پاییز و زمستان از این نوع دار در داخل منازل استفاده می‌شود. سردار در این نوع دارها به راست روها متصل است، در حالی که زیردار کشویی است و در دو طرف آن پیچ‌های بلندی قرار دارد که به وسیله آن شلی و سفتی و مهم‌تر از آن بالا و پایین کردن چله‌ها (تغییر ابعاد قالی) صورت می‌گیرد.

۴-۲- بررسی مواد اولیه و روشهای آماده‌سازی آنها

به دلیل موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی و سرسبزی محیط و عاری بودن از هرگونه آلودگی، پشم‌های به دست آمده در منطقه کلاردشت یکی از مرغوب‌ترین پشم‌های کشور محسوب می‌شود.

عمل پشم‌چینی دوبار در سال صورت می‌گیرد. یک بار در فصل بهار که پشم بهاره نامیده می‌شود و بار دیگر در پاییز که به پشم پاییزه موسوم است. برای بافت قالی و جاجیم و ساچین از پشم‌های بهاره استفاده می‌شود. این پشم، بهترین نوع پشم است. از پشم‌های پاییزه برای تهیه نخ چله (در قدیم که قالی پشم در پشم بافته می‌شد)، نمد، شولا^{۱۲}، جوراب پشمی، خورجین، جوال،

توبره اسب و طناب روی بار به نام «کشی» یا «باربند» که برای بستن بار از آن استفاده می‌کردند، استفاده می‌شد.

پشم چیده شده، طی مراحلی به خامه تبدیل می‌شود. این مراحل از قرار زیر است:
الف- عمل سرت کردن (طبقه‌بندی کردن)؛

ب- شستشو و حلاجی؛

ج- مرحله ریسندگی؛

د- مرحله رنگ‌رزی.

الف: عمل سرت کردن: در این مرحله پشم‌های چیده شده به تفکیک رنگ‌های خود از هم جدا

می‌شوند. به این صورت که پشم شیری، پشم قهوه‌ای و پشم سیاه از یکدیگر جدا می‌شوند.

ب: شستشو و حلاجی: پشم‌های چیده شده و سرت شده را به وسیله آب و کمی مواد شوینده شستشو می‌دهند تا چربی پشم‌ها گرفته شود. زیرا این چربی‌ها از خوب ریسیده شدن پشم و استحکام آن جلوگیری می‌کنند. همچنین باعث بید زده شدن فرش می‌شود.

پشم شسته شده، پس از خشک شدن، آماده حلاجی است. در این مرحله پشم با وسیله‌ای که در زبان محلی کلاردشت به آن «شانمی» (sanami) یا «شانه هیری» می‌گویند حلاجی می‌شود. این وسیله از دو قسمت آهنی و چوبی تشکیل می‌شود که قسمت پایینی آن از چوب و محل گذاشتن پای حلاج است و قسمت بالا یا شانه، آهنی است. برای انجام عمل حلاجی، حلاجی‌کننده، شانمی را با زانوهای خود نگه داشته و با هر دو دست پشم را از شانه‌ها به این سو و آن سو می‌کشد. پشم در این مرحله، به طور یکنواختی از یکدیگر جدا شده و حلاجی می‌شود. پس از اتمام حلاجی، پشم‌های آماده را توسط چوب کوچکی پیچیده و تبدیل به گلوله بزرگی می‌کنند که به آن «بورماج» می‌گویند.

ج: ریسندگی: برای ریسیدن نخ، از دوک، که ساده‌ترین وسیله تبدیل پشم به نخ است استفاده می‌کنند. این دوکها از جنس چوب هستند که از یک قسمت مدور در پایین و یک میله به طول ۴۰ سانتی‌متر و قطر ۲ سانتی‌متر تشکیل شده‌اند. برای شروع ریسندگی مقداری از الیاف پشم به

دور دست پیچیده شده و پشم را به نوک بالایی دوک گیر می‌دهند و به تدریج با کشیدن پشم و چرخاندن دوک، نخ‌ی با قطر دلخواه به دست می‌آید.

پس از ریسیدن نخها آنها را کلاف می‌کنند. برای شروع رنگریزی ابتدا کلافهای نخ را باز کرده و سپس آنها را دولا کرده و به وسیله دو چوب می‌پیچند تا کششی یکنواخت یابد. نخها در این حالت به مدت یک هفته می‌مانند و سپس به صورت کلاف پیچیده می‌شوند. لازم به ذکر است که نخ پشمی مرغوب دولا را با چرخ دستی که در زبان محل «چل» نامیده می‌شود (یا توسط دوک) می‌تابانند و از آن برای چله‌کشی در قالی پشمی استفاده می‌کردند. هم‌اکنون این دستگاه برای تاباندن نخ چله جاجیم و نخ پود به کار می‌رود.

د. رنگریزی: رنگریزی در کلاردشت در گذشته‌ای نه چندان دور، با رنگهای طبیعی صورت می‌گرفت، اما امروزه به علت گران بودن رنگهای طبیعی و دسترسی آسان به رنگهای شیمیایی، بافندگان به استفاده از این رنگها روی آورده‌اند که خسارت جبران‌ناپذیری بر پیکر فرش کلاردشت وارد آورده است. البته بافندگان کلاردشتی تنها از رنگ شیمیایی استفاده نمی‌کنند، بلکه معمولاً رنگ‌های گیاهی و شیمیایی را به طور توأمان مورد استفاده قرار می‌دهند.

برای بعضی از رنگها هم تنها از رنگ گیاهی استفاده می‌کنند. در اینجا ما به هر دو نوع رنگریزی گیاهی و شیمیایی می‌پردازیم.

۵- رنگریزی

۵-۱- رنگریزی گیاهی

برای شروع رنگریزی به این شیوه ابتدا باید کلافهای نخ دندان‌داده شوند. و اما دندان‌دانه چیست؟ دندان‌دانه به املاحی گفته می‌شود که معمولاً از فلزات گوناگون به دست می‌آید. به عبارت دیگر می‌توان گفت دندان‌دانه‌ها بیشتر نمک‌های فلزات هستند که به عنوان واسطه بر روی رنگ و الیاف اثر گذاشته و باعث افزایش نقاط اتصال بین رنگدانه و مولکولهای لیف پشم می‌گردند. برخی از گیاهان دارای ماده‌ای به نام «تانن» هستند که به آنها گیاهان مازوج‌دار و یا تانن‌دار می‌گویند. این گیاهان به علت داشتن این ماده در هنگام رنگریزی، رسوبی تولید می‌کنند و مانند لایه‌ای روی

الیاف را می‌پوشانند. این خاصیت باعث تثبیت بیشتر رنگ می‌شود. از این نوع گیاهان در هنگام رنگرزی، به عنوان رنگ‌های دندان‌ساز خود بهره می‌گیرند و بدون دندان‌ساز از آنها استفاده می‌کنند. البته این نوع گیاهان به همراه دندان‌سازهای معدنی رنگ بهتری به دست می‌دهند. از این نوع گیاهان می‌توان به پوست گردو، ملیله، بلوط، مازو، جفت، پوست انار، کاج، گندل و غیره که رنگدار بوده و گیاهانی مانند برگ‌خج که نوعی پسته کوهی و بی‌رنگ است و به عنوان دندان‌ساز به کار می‌رود، اشاره نمود.

بافندگان کلاردشتی از دندان‌سازهایی چون زاج سفید، زاج سیاه، رب آلوچه، پوست و هسته آلوچه (که در لابه‌لای نخ می‌ریختند)، قره‌قوروت و ادرار گاو استفاده می‌کنند. به دندان‌ساز در لهجه محلی «ازاق پتی» یا «زاج پتی» گفته می‌شود.

از گیاهانی که به عنوان رنگدانه استفاده می‌کنند می‌توان به اسپرک (به لهجه محلی کاش) برای رنگ زرد و نارنجی، برگ توت (سبز و زرد)، پوست انار (رنگ سیاه و خاکستری)، روناس (رنگ قرمز)، کاه (نخودی)، نیل (آبی)، پوست گردو (قهوه‌ای تیره و مشکی)، جفت یا پوست بلوط (رنگ نخودی و طلایی)، جوانه تمشک (خاکستری تیره) و غیره اشاره کرد.

۵-۲- رنگرزی شیمیایی

یکی از انواع رنگهای شیمیایی مورد استفاده در این منطقه، رنگهای آنیلینی است که به رنگهای «جوهری» معروفند. این نوع رنگها در مقابل شستشو و مواد قلیائی بسیار بی‌ثبات هستند و از این رو برای رنگرزی خامه مناسب نیستند. اما به دلیل ارزان بودن و دسترسی آسان بافندگان کلاردشت از آنها استفاده می‌کنند و این باعث افت کیفیت فرش در این منطقه شده است.

برای رنگرزی به این شیوه، مثل رنگرزی گیاهی، بافندگان دیگ مسی بزرگ را از آب پر می‌کنند و آن را بر روی اجاق یا آتش می‌گذارند. هنگامی که آب به نزدیک نقطه جوش رسید به میزان لازم پودر رنگی به آن اضافه می‌کنند (مثلاً به ازاء هر ۴/۵ کیلو پشم، ۰/۵ کیلو پودر رنگ). سپس این مخلوط را کاملاً به هم می‌زنند تا پودر رنگی در آب حل شود. سپس خامه‌ها را به اندازه کافی به داخل محلول آماده شده اضافه می‌کنند و اجازه می‌دهند مقداری بجوشد و در خلال این مدت کلافها را به طور مرتب هم می‌زنند. در اواسط کار، زاج سفید را به همراه مقداری

جوهر لیمو به محلول درون دیگ اضافه می‌کنند و اجازه می‌دهند آنقدر این مخلوط بجوشد تا رنگ مورد نظر به دست بیاید. استفاده از زاج و جوهر لیمو (اسید) برای ثبات رنگها بسیار مؤثر است (نوعی دندانانۀ دادن به پشم). سپس کلافها را از دیگ خارج کرده و شستشو می‌دهند و سپس آن را در مکانی مناسب خشک می‌کنند.

گاهی نیز قبل از رنگ کردن پشم، ابتدا آن را دندانانۀ می‌دهند و سپس عملیات رنگرزی را آغاز می‌کنند. در این شیوه، ثبات رنگ بیشتر از شیوه پیشین است.

۵-۳- رنگرزی تلفیقی

در این شیوه برای به دست آوردن رنگ مورد نظر هم از رنگهای گیاهی و هم از رنگ شیمیایی استفاده می‌شود. مثلاً برای به دست آوردن رنگ نارنجی، ابتدا با پودر رنگی زرد رنگ کلافها رنگ می‌شوند. سپس توسط رونا، نارنجی می‌گردند و یا بر عکس، ابتدا رنگ زرد را با برگ توت یا برگ مو یا کاش به دست می‌آورند و سپس با کمی پودر قرمز رنگ آنها را تبدیل به رنگ نارنجی می‌کنند و ...

در کلاردشت از پشم خود رنگ گوسفند و بز نیز استفاده می‌شود. مثل پشمهای قهوه‌ای و مشکی.

۶- شیوه بافت

۶-۱- گره

پس از آماده‌سازی دار و چله‌کشی، بافت قالی آغاز می‌شود. برای شروع بافت، ابتدا زنجیره‌بافی و کرباس‌بافی انجام می‌شود. برای کرباس‌بافی از پودر ضخیمی که از جنس چله و هم‌رنگ آن می‌باشد، استفاده می‌کنند. به کرباس‌بافی ابتدای کار، در لهجه محلی «کاکه واک» (hake vak) گفته می‌شود. اندازه کرباس برای ابعاد مختلف قالی، متفاوت است. در اواسط کار، با دو یا سه رنگ خامه پشمی، گره قایقی برای زیبایی کرباس زده می‌شود. پس از اتمام این کار نخهای آویزان دو طرف به صورت گیس بافته آویزان می‌شود که به زیبایی کرباس‌بافی می‌افزاید. دوباره به همان

اندازه قبل از میلیله بافی (گره قایقی) کرباس بافته می شود. بعد از اتمام این مرحله، بافت آغاز می شود.

شیوه گره زدن خامه در کلاردشت، خاص است. با اینکه گره به شیوه ترکی زده می شود اما برای گره زدن از قلاب استفاده نمی کنند، بلکه به شیوه فارسی، تار را با انگشتان دست می گیرند. نحوه گره زدن نیز به این صورت است که ابتدا نخ خامه از زیر تار رویی که در سمت چپ بافته قرار دارد رد شده و به حالت مثلث در دست قرار می گیرد و سپس سر دیگر خامه را از روی تار زیری که در سمت راست بافته قرار دارد به پشت تار برده و از میان دو تار بیرون می کشیم. (حتی نحوه گره زدن نیز با نحوه گره زدن ترکی متفاوت است. زیرا گره ترکی اول تار زیری و سپس تار رویی گرفته می شود). به گره در لهجه محلی «ایلمک» (Ilmak) گفته می شود.

۶-۲- پود گذاری

پودهای مورد استفاده در این منطقه از جنس پشم تیره رنگ است و عملیات رنگریزی بر آن صورت نمی گیرد. این پودها را قبل از مصرف کمی می تابانند. پود تابانیده شده توسط دستگاهی که پیشتر به آن اشاره کردیم (چل cal)، به صورت کلاف کوچکی در می آید که در زبان محلی به آن «قان قال» (gangal) گفته می شود. قالی های کلاردشت نیز دو پوده است، با این تفاوت که ضخامت دو پود یکسان است. نحوه پود دادن نیز به این صورت است که بعد از یک رج بافت و پیچیدن شیرازه که در زبان محلی به آن «لویپچ» (lupic) گفته می شود، پود اول از لابه لای نخ های رویی هاف توسط انگشتان دست عبور داده می شود و توسط کرکیت به آرامی خوابانیده می شود. پود دوم نیز از زیر تارهای هاف عبور کرده و توسط کرکیت خوابانیده می شود. (در مورد رد کردن پود نیز، بافندگان کلاردشت عکس بافندگان دیگر عمل می کنند. معمولاً پود اول از زیر تارهای هاف عبور می کند و پود دوم از روی تارهای هاف). برای اینکه دم کار به طور مرتب و خوب قرار گیرد و به صورت یکسان کوبیده شود و پودها نیز توسط کرکیت آسیب نبینند، نخ محکمی از جنس چله را چند لا کرده و از زیر تارهای هاف عبور می دهند و سپس با کرکیت محکم روی آن می کوبند تا پودها کاملاً در جای خود قرار گیرند، سپس این نخ چند لا را خارج کرده تا برای رج بعدی مورد استفاده قرار گیرد.

قالی: ۳×۴، ۱۲ متری

درگاهی: این بافته در اندازه‌های مختلف در عرض ۵۰ تا طول ۱۰۰ سانتی‌متر بافته می‌شوند. کناره: به این بافته در زبان محلی «لاکش» گفته می‌شود. اندازه لاکش‌ها از ۸۰ سانتی‌متر تا ۳ متر است.

۸- طرح‌ها و نقشمایه‌ها

قالی کلاردشت در طرح‌های گوناگونی بافته می‌شود که همه آنها «ذهنی‌باف» و یا به میزان کمتر «حفظی‌باف» هستند که تماماً حالت هندسی و شکسته دارد و نشان‌دهنده بافتی روستایی و عشایری است. این طرح‌ها به خوبی ساختار و راه و رسم و فرهنگ و طرز تفکر ایلداتی همساز و منطبق است و چنین است که دستبافته‌های این منطقه کاملاً رنگ و بوی ایلداتی و عشایری دارد. در گذشته که رواج قالی‌بافی در کلاردشت بیشتر از امروز بود و فرشها با کیفیتی بهتر بافته می‌شدند، تعداد طرح‌های مورد استفاده در کلاردشت بسیار بیش از این بود، همانطور که طرح‌های شمله (samale)، شاه عباسی، رسولی، شکری، صدف گل یا عینکی مرزقان (marzagan) اکنون از طرح‌های منسوخ شده و نایاب منطقه به شمار می‌روند.

۸-۱- طرح جنگلی

در انواع متفاوت طرح جنگلی با دنیایی ساده، انتزاعی و تجربیدی، از جنگل روبه‌رو هستیم که درهای خیال را می‌کشایند و ذهن را تا دوردست‌های مه‌آلود جنگل پرواز می‌دهند. در این نوع طرح‌ها با نقشمایه‌هایی از قبیل حیوانات شاخدار، درخت، مرغ، انواع گلها، پرتاووسی، ستاره‌ها، سیدی، شیرینی‌خوری، آهو و ... روبرو هستیم که همه و همه دریچه‌ای است از دنیای ساده و بی‌تکلف عشایری و روستایی.

طرح‌های جنگلی، اکثراً با سه حاشیه بافته می‌شوند. دو حاشیه کوچک که اندازه حاشیه کوچک که اندازه حاشیه بزرگ‌تر از حاشیه کوچک داخلی است. گاهی هم تنها با حاشیه بزرگ و بدون حاشیه کوچک بافته می‌شوند. (بستگی به اندازه قالی دارد).

در تمامی انواع طرح جنگلی، ترنج در مرکز قالی دیده می‌شود. معمولاً قالب‌بندی دور ترنج به گونه‌ای است که شمایی از لچک را می‌نمایاند. ترنج در انواع متفاوت این طرح، معمولاً بسیار ساده است و در بیشتر انواع آن تنها یک نقشمایه در وسط ترنج دیده می‌شود. طرح صندوقی این طرح یادآور ادغام فضای خانه و محیط زندگی است و چشم دوختن به آن با نگاهی عمیق و کنجکاوانه تمامی حالات زندگی طایفه‌های کلاردشت را به نمایش می‌گذارد.

۶-۳- قیچی کردن

بعد از هر ردیف گره زدن و پیچیدن شیرازه‌ها و رد کردن پودها، پرزها به وسیله قشو یا شانه و یا دست به سمت جلو پیشکشی می‌شود تا قوس گره‌ها در پشت قالی در یک ردیف قرار گیرد و گره‌ها محکم شوند و پرزهای اضافه گرفته شود. سپس به وسیله قیچی، پرزها به دقت به اندازه پرزهای زیرین و همسطح قالی، قیچی می‌شوند. اندازه پرز در قالی کلاردشت نیز معمولاً بلند است.

پایان بافت نیز در کلاردشت معمولاً با مراسم خاصی صورت می‌گیرد. به این صورت که بعد از اتمام گره‌بافی و کرباس‌بافی (درست به اندازه اول کار)، فرش آماده برداشتن از روی دار است. برای این کار کسی دیگر قالی را قیچی کرده و پایین می‌آورد که علاوه بر دستمزد، مبلغی هم به عنوان «تیغ‌سری» یعنی مزد چاقو به او داده می‌شود. روز آخر بافت قالی «قالی سری» نامیده می‌شود.

ذکر این نکته نیز در اینجا ضروری به نظر می‌رسد که رج‌شمار قالی کلاردشت پایین و از ۱۸ تا ۲۵ متفاوت است و در ردیف قالی‌های فرسک و درشت‌باف رده‌بندی می‌شود. پرزها نیز همانطور که گفتیم بلند قیچی می‌شوند. شیرازه بافی نیز در قالی کلاردشت به صورت متصل صورت می‌گیرد. یعنی اینکه بعد از هر ردیف گره زدن، شیرازه‌ها دور تا دور تارهای شیرازه پیچیده می‌شوند. ویژگی دیگر این قالی آن است که دارای یک ریشه می‌باشد.

۷- ابعاد قالی

در کلاردشت، قالی در ابعاد مختلف بافته می‌شود. از سائز پستی تا ۳×۴ متری که در طرح‌های مختلف وجود دارند. معمولاً هر اندازه‌ای در زبان محلی، نام مخصوصی دارد.

زرع و نیم: $۱/۲۵ \times ۹۰$ به زبان محلی «پنج چارکه»

پستی: ۶۰×۹۰ به زبان محلی «پشتیک» یا درگاهی

قالیچه: ۱×۱

قالیچه $۱/۵$ متری در زبان محلی «۶ چارکه»

زرع و چارک: ۱×۷۰ به زبان محلی «یک متری»

قالی: ۲×۲

قالیچه: ۲۲۰×۱۳۰ به زبان محلی «سه متری»

قالی: ۲×۳ به زبان محلی «۶ متری»

قالیچه: $۱/۵ \times ۵/۲$

قالی: $۲/۵ \times ۳/۵$ به زبان محلی «۹ متری»

طرح صندوقی نیز، همانند طرح جنگلی هم با سه حاشیه و هم با یک حاشیه (بسته به اندازه قالی) بافته می‌شود. البته حاشیه «گل چارواز»^{۱۳} به عنوان حاشیه بزرگ بیشترین کاربرد را دارد. در نمونه‌های متفاوت طرح صندوقی‌ها با یک، دو، سه و گاه با چهار ترنج و بیشتر روبه‌رو هستیم. ترنج مستطیل شکل این طرح یادآور یخدانهایی است که نوعروسان به عنوان جهاز به خانه داماد می‌بردند.

۸-۲- طرح شمله

این نوع طرح فاقد ترنج و لچک بوده، از نوع طرح‌های زمینه سرتاسری محسوب می‌شود. در این طرح، سرتاسر زمینه با بوته‌های هندسی پایه‌دار پوشانده می‌شود که مثل همه طرح‌های بوته‌قالیهای عشایری و روستایی حالت شکسته و هندسی دارد.

۸-۳- طرح رسولی

در این نوع طرح، زمینه به وسیله نقشمایه بزرگ و چند بازویی دربرگرفته می‌شود. طرح رسولی، کم شباهت به طرح قالیهای عشایری استان فارس نیست.

صدف گل یا عینکی

در این نوع طرح زیبا، زمینه به وسیله زنجیره‌های لوزی شکل قاب‌بندی می‌شود و طرحی بی‌نظیر و چشمگیر به دست می‌دهد. درون لوزی‌ها، معمولاً با چهار گل یا ستاره پر می‌شود و دور دو گل افقی آن را طرحی شبیه به عینک که به صورت دو هشت ضلعی به هم چسبیده است فرا می‌گیرد. طرحی شبیه به این نوع طرح نیز هم در قالیهای عشایری استان فارس می‌توان مشاهده نمود و هم در بعضی از نمونه قالی‌های سنندج.

۸-۴- شاه عباسی

در این نوع طرح‌ها، شاهد استفاده از یک گل شاه عباسی بزرگ در ترنج قالی هستیم و گل‌های شاه عباسی کوچک‌تر از آن در زمینه پراکنده شده‌اند و این گل مرکزی را احاطه کرده‌اند. البته در حال حاضر این طرح، تقریباً منسوخ شده است و به صورت ترکیبی با طرح جنگلی به کار برده می‌شود.

۸-۵- طرح اقتباسی

در انواع این قالیهای اقتباسی، ما شاهد تلفیق طرحهای مناطق گوناگون با طرحهای کلاردشتی هستیم. اکثر این طرحها نیز از قالیهای سنندج، قالیهای قفقاز، فارس و خراسان است.

آنچه در بالا آمد عناوین طرح‌های مختلف فرش‌های کلاردشت است. آنچه باید مورد توجه قرار گیرد شیوه رنگ‌بندی در قالی‌هاست. رنگهای مورد استفاده در قالیهای کلاردشت مانند دیگر قالیهای عشایری محدود می‌باشد. این قالیها دارای چندین رنگ اصلی و چند رنگ فرعی هستند. اکثر رنگهای اصلی در زمینه و حاشیه‌ها دیده می‌شوند و رنگهای فرعی در میان نقشمایه‌های قالی خودنمایی می‌کنند. رنگهای اصلی شامل: قرمز روناسی، سورمه‌ای، انواع سبز و شیری (البته این رنگ به تازگی جایگاه خاصی در قالی کلاردشت یافته و آن را مشابه گبه‌های فارسی ساخته)

است و رنگهای فرعی از نارنجی، نخودی، انواع سایه روشن‌های قرمز، آبی، شیری، زرد، سیاه و قهوه‌ای تشکیل می‌شود. البته دو رنگ سیاه و قهوه‌ای معمولاً از پشم خود رنگ گوسفند هستند. بافندگان این منطقه با مهارت فوق‌العاده‌ای که در بافت، طراحی و رنگبندی دارند، چنان به طور ناخودآگاه و بدون آگاهی از تمام فنون رنگبندی درج شده در کتب به این کار واردند که هر بیننده‌ای را به حیرت وا می‌دارند. هر رنگ در اینقالیها به شیوه‌ای زیبا در تمام قالی می‌چرخد و نگاه بیننده هیچگاه در نقطه‌ای خاص به دلیل رنگبندی نامناسب نمی‌ایستد.

به دلیل مرغوبیت پشم و دندانه شدن خوب آنها در کلاردشت، و رنگریزی خوب و با کیفیت (البته بیشتر در گذشته) رنگها ملایم و درخشان‌اند و هر چه از عمر قالی می‌گذرد، رنگها درخشندگی بیشتری می‌یابند.

۸-۵-۱- نقشمایه‌ها و نگاره‌ها

به طور کلی گل نقشمایه‌های موجود در قالی کلاردشت را می‌توان در گروه‌های زیر طبقه‌بندی کرد:

الف) نقوش جانوری (چهارپایان)، ب) نقوش مرغی، پ) انواع گلها و درختان، ت) ستارگان، ث) آرایه‌های چهاربازویی میان ترنجه‌ها، ج) انواع اشکال هندسی لوزی شکل، چ) نقوش هندسی دیگر.

الف) نقوش جانوری (چهارپایان): این نقوش در طرحهای جنگلی و صندوقی به کرات دیده می‌شوند که شامل انواع طرحهای مختلف از بز و گوزن شاخ بلند و آهو هستند.

«بز کوهی، تا پیش از معمول شدن سال خورشیدی، منسوب به ماه بود و در اساطیر آن روزگار «آبدان آسمانی جاوید» پنداشته می‌شد و به تبع آن نماد باران بود. سال خورشیدی، این جانوران را همپایه شیر و اسب قرار داد و منزلتی دیگر بخشید و نماد آفتاب شدند».^{۱۴}

ب) نگاره‌های مرغی: پرند و مرغ از دورانه‌های پیش از تاریخ نماد ابر و باران بوده است. مرغ در قالیهای کلاردشت معمولاً به صورت نگاره مرغی همراه با نقوش گیاهی و جانوری دیده می‌شود.

پ) **انواع گلها و درختان:** شاید زمینه فرش کلاردشت به خاطر هندسی بودن آن عاری از گل به نظر برسد. اما گلها و درختان به صورت مجزا و منفرد زمینه قالی کلاردشت را زینت داده و بهشت را ترسیم کرده‌اند. حاشیه‌های پرگل این قالیها نیز، زیبایی این بهشت را چون نهی پر از گل، صد چندان می‌کند.

گل‌های مورد استفاده در این قالی معمولاً گل هشت پر (ورگ چنگ *verge cang*)، شش پر (گل شهری)، گل لاله، گل شانه می یا شانه هیری^{۱۵}، گل چارواز، گل‌های چهار پر و سه پر (پیچ‌چنگ و سک دست^{۱۶} *sake dast*)، گل‌های درون گلدان و گل شاه عباسی و ... هستند.

ت) **ستارگان:** ستارگان و به خصوص ستاره هشت پر کاربرد فراوانی در قالیهای کلاردشت دارد. ستاره هشت پر در دوره‌های تاریخی نخستین مظهر آفتاب بوده است.

ث) **آرایه‌های چهار بازویی میان ترنجه‌ها:** این آرایه‌های چهار بازویی به صورت قرینه می‌باشند و مرکز این آرایه، گویی نیروگاه مرکزی خاصی است که بازوها از آن نشئت می‌گیرند. این آرایه در مرکز ترنجه‌های طرح صندوقی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این آرایه‌های چهار بازویی، در نزد ساکنان قالی‌باف منطقه «سماور» خوانده می‌شود.

ج) **انواع اشکال هندسی لوزی شکل:** این اشکال لوزی شکل در جای جای زمینه قالی، ترنج و لچکها خودنمایی می‌کنند و در هر روستایی با نامی خوانده می‌شوند که نامهایی چون: شیرینی‌خوری یا سینی نوک جوراب یا سیدی، گیم گل و تسبیح و...

چ) **نقوش هندسی دیگر:** آرایه‌ای زیکزاک مانند که معمولاً دور تا دور ترنجه‌های مربع و یا مستطیل شکل قالی را در بر می‌گیرد و در کلاردشت «میریکا» نامیده می‌شود.

آرایه پیکان مانندی که در طرحهای صندوقی طرحی شبیه علامت بعلاوه یا صلیب است که ریشه در اساطیر کهن ایران و جهان دارد و همان شکل تغییر یافته گردونه مهر یا چلیپا است که در روی بدن شیر جام کلاردشت نیز مشاهده می‌شود. این علامت طی تحولات خود در دوران تاریخی، امروز به عنوان نماد امداد جهانی یعنی صلیب سرخ خودنمایی می‌کند.

۸-۵-۲- انواع حاشیه‌های مورد استفاده در قالی کلاردشت

طرح‌های مورد استفاده به عنوان حاشیه بزرگ: حاشیه گل چارواز، حاشیه گرگ چنگ یا ورگ چنگ (verge cang)، حاشیه گل نعلبکی یا گل شهری، حاشیه دم روباه یا پپ، حاشیه مثلث‌های زنجیره‌ای، حاشیه حیوانات زنجیره‌ای.

طرح‌هایی که هم به عنوان حاشیه بزرگ و هم حاشیه کوچک کاربرد دارند: حاشیه پیچ‌چنگ، حاشیه سک دست، حاشیه زنجیره ستاره‌ها، حاشیه زنجیره پروانه‌ها و ...

طرح‌هایی که به عنوان حاشیه کوچک کاربرد دارند: مثلث‌های متداخل، کله قندی، گوجه خیار، حاشیه زیکزاک (میریکا)، لوزی‌های زنجیره‌ای و ...

انواع قاب‌بندی زمینه

زمینه قالی‌های کلاردشت، چنانکه در صفحات بعد توضیح آن آمده است، با نقش‌بندی خاصی، قاب‌بندی می‌شوند و شبیه به قابی ترنج مرکزی را در بر می‌گیرند. گویا این نوع قاب‌بندی زمینه در زمان کریم‌خان زند رواج پیدا کرده است. این قاب‌بندی‌ها شامل انواع کریم‌خانی و قاب قرآنی است. در اینجا به توضیح تعدادی از نقوش و نام محلی آنها در کلاردشت می‌پردازیم.

بز: در نزد خواجه‌وندها، بز حیوانی چالاک و زرنگ است و خوش‌یمنی و خوش اقبالی می‌آورد. گنجشک: این طرح نیز مانند دیگر نگاره‌های مرغی در قالیهای مناطق دیگر جایگاهی خاص در قالیهای کلاردشت دارد. این نمونه‌ها در کلاردشت «قش» (qoš) گفته می‌شود که به زبان کردی قش به معنی گنجشک است.

پیل مل: پیل (pil) در زبان محلی به معنی «پول» و «مل» (mel) یعنی «گردن». پیل مل سکه‌ای است که دارای دسته‌ای سوراخ‌دار است. در گذشته این آرایه تزئینی را به عنوان گردنبند مورد استفاده قرار می‌دادند. در قالی نیز از آن به عنوان تزئین قاب‌بندی ترنج و آرایه‌های دیگر مورد استفاده قرار می‌دهند.

دم روباه یا پپ: این نقش‌مایه به خاطر داشتن گردنی باریک و دمی که از هم باز شده است به «دم روباه» معروف است. وقتی که روباه، دم خود را بالا می‌گیرد و راه می‌رود، این دم تقریباً چنین

حالتی می‌یابد. همچنین این نقشمایه بی‌شباهت به شکل «پیپ» نیست. البته به نظر ما بی‌شباهت به یک «مرغ» نشسته نیز نیست.

شانه هیری: همان وسیلهٔ حلاجی پشم است، که به علت کاربرد عملی در زندگی بافندگان و مشکل‌گشایی در میان نقشهای قالی‌جان گرفته و جایگاه مخصوصی دارد.

سیدی (seyedi): نام دیگر این نقشمایه در کلاردشت «گل نوک جوراب» است، به عنوان نقشی بر روی نوک جوراب‌های پشمی‌ای که توسط زنان کلاردشتی بافته می‌شد، جان می‌گرفت که به تدریج جای خود را در میان قالی نیز پیدا کرده، به نقشمایه‌های آن اضافه شد.

پیچاچنگ^{۱۷}: این نقشمایه نیز به عنوان گلی برگ‌دار در قالیهای کلاردشت دیده می‌شود. همچنین ردیف‌های زنجیره‌ای این گل در حاشیهٔ کوچک دور تا دور قالی را می‌پیماید. این نقشمایه از دوران قیام میرزا کوچک‌خان جنگلی و حضور جنگلی‌ها در کلاردشت وارد قالی‌های این منطقه شده است.

گرگ چنگ: این نقشمایه نیز مانند گل پیچاچنگ در حاشیهٔ بزرگ قالی‌ها دیده می‌شود و از دوران قیام میرزا کوچک‌خان وارد قالی‌های کلاردشت شده است. به این گل «ورگ چنگ» نیز گفته می‌شود. (در هر دو تلفظ، معنی آن چنگ گرگ می‌باشد).

کریم‌خانی: این آرایه چونان قابی زمینه و ترنج را در بر می‌گیرد و آنها را از لچک‌های اطراف جدا می‌سازد. این نوع قاب‌بندی بیشتر در طرح‌های جنگلی به کار گرفته می‌شود. بنابر روایات، این آرایه به دوران کریم‌خان زند برمی‌گردد و از آن دوره بر جای مانده است و به همین دلیل به این نام معروف است. همچنین هنگامی که نقوش سوزن مانند دور تا دور این قاب‌بندی را فراگیرد به آن «طرح اسلامی» گفته می‌شود. طرح اسلامی در قاب‌بندی‌های قاب قرآنی نیز دیده می‌شود.

گل پمپال: این گل شبیه به گل شاه عباسی است، اما با اندک تفاوت‌هایی با این گل، در فرشهای منطقهٔ کلاردشت دیده می‌شود. اعتقاد عده‌ای بر آن است که شاید نام «پمپال pampal» از گل پامچال گرفته شده باشد که بیشتر در مناطق شمال کشور می‌روید.

قندان: این نقشمایه نیز که به صورت جامی با دو پایه طراحی می‌شود به قندان معروف است.

میریکا: این نقشمایه، چنانکه در پیش نیز به آن اشاره شد، آرایه‌ای زیگزاگ مانند است که در دورتا دور ترنج و حاشیه‌های کوچک دیده می‌شود. در زبان کردی به دانه‌های تسبیح «میره» گفته می‌شود. این آرایه نیز شبیه دانه‌های تسبیح بزرگی است که زنان و دختران آن را به شکل زیگزاگ می‌آراستند و به عنوان دستبند از آن استفاده می‌کردند.

جودان یا تسبیح: این نقشمایه همیشه در قالیهای صندوقی دیده می‌شود و به صورت تسبیحی آویز بر ترنج قالی طراحی می‌شود. به اعتقاد بافندگان این منطقه، این نقشمایه برگرفته از آویزهایی است که بر گهواره فرزندان آویزان می‌کنند. این آویزه‌ها دارای دانه‌های آبی‌رنگی است که محافظ بچه در مقابل «چشم بد یا چشم زخم» است و از طرفی نوعی اسباب‌بازی برای کودک محسوب می‌شود.

۹- بررسی وضعیت اقتصادی قالی‌بافی در منطقه

برای ارزش‌گذاری و قیمت‌گذاری بر یک قالی ابتدا باید عواملی را مورد بررسی قرار داد. مطمئناً اولین سؤال این است که اصلاً مبانی ارزیابی یک قالی در چیست؟ مبانی ارزیابی قالی در بازارهای جهانی به پنج بخش عمده تقسیم می‌شود که عبارتند از: الف- مشخصات ظاهری فرش، ب- محاسن آشکار و غیر آشکار آن، ج- معایب آشکار و غیر آشکار آن، د- قیمت تمام شده، ه- بازار فرش.

مشخصات ظاهری فرش: این مشخصات شامل اندازه، نوع طرح، نوع مواد اولیه به کار رفته و رنگبندی نقشمایه‌ها هستند. قالی کلاردشت از سایز پستی تا ۱۲ متری بافته می‌شود. البته همراه با قالیهای کناره، که بسته به اندازه قالی قیمت آن متفاوت است.

محاسن آشکار و غیر آشکار: از جمله این محاسن چنانکه گفتیم استفاده از پشم‌های مرغوب منطقه است که هنوز هم در بعضی مناطق کاربرد دارد، رنگرزی خوب نخهای بعضی از این قالیها، عدم غلط‌بافی و استفاده بجا و صحیح از نقشمایه‌ها در سرتاسر قالی نیز از آن جمله است. یکی دیگر از محاسن غیر آشکار، اما بزرگ این قالی در آن است که بعد از دو رج پود دادن

نخ چند لاشده‌ای از جنس چله را در لابه‌لای چله‌ها قرار داده و با کرکیت بر روی آن می‌کوبند تا هم پودها و گره‌ها در جای خود قرار گیرند و هم آسیب نبینند و پاره نشوند.

البته معایبی از قبیل بدقوارگی یا بی‌قواره بودن فرش، ذرتی شدن، پودنما بودن، کیسی، پارگی، کجی، غلط‌بافی، بالازدگی، پایین‌زدگی و غیره، همچنین قیمت تمام‌شده قالی و همچنین نظر بازار در مورد فرش یک منطقه، همه و همه تأثیر به‌سزایی در قیمت‌گذاری بر یک قالی دارند.

با تمام احوال گفته شده، امروزه قالی کلاردشت در بازارهای فرش از متر مربعی، معادل ۳۲ دلار^{۱۸} در سائزهای کوچک و ۵۴ دلار در سائزهای بزرگ معامله می‌شود.

اوج قالی‌بافی در کلاردشت در اواخر دهه پنجم قرن حاضر بود، یعنی در سالهای ۱۳۴۷ به بعد. چنانکه در اکثر روستاهای کلاردشت دارهای قالی‌بافی بسیاری برپا بود و بلافاصله بعد از اتمام بافت هر قالی، بافندگان کار بافت قالی بعد را آغاز می‌کردند. خریداران فرش کلاردشت را عمدتاً کشورهای آلمان، کانادا، اتریش، آمریکا، سوئیس، فرانسه، یونان، ایتالیا و کشورهای حوزه خلیج فارس تشکیل می‌دهند. قالی کلاردشت در طی سالهای ۷۱ تا ۷۳ مقام سوم را از لحاظ کیفیت مواد اولیه، رنگ و بافت در بین فرشهای جهان دارا بود.

نتیجه

سرپنجه‌های هنرمند قالی‌بافان کلاردشت با یاری از ذهن و بدون نقشه و الگو دنیایی رنگین و زیبا و سرشار از خیال می‌آفرینند که نظیر آن در مناطق دیگر کمتر دیده می‌شود. با توجه به اینکه بافنده قالی نقشمایه‌هایی را از عناصر قالی‌های کردی، قشقایی و حتی قفقازی بهره گرفته، اما چنان این عناصر را ماهرانه و استادانه در کنار هم چیده که قالی‌ای بی‌همتا در مقایسه با اصالت‌های خود به وجود آورده است. اکثر قالی‌بافان این منطقه کاملاً خودکفا هستند و تمام مراحل تبدیل پشم به نخ، رنگرزی، چله‌کشی و بافت را خود انجام می‌دهند و در عین حال طراح و نقاش قالی نیز خود آنها هستند. از میان صدها هنرمند و استاد این ناحیه می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

سرگیس کاکاسلطانی، خاتون و گل‌خانم کاووسی، سودابه سنایی، آفاق صفاری، نرگس رادباوه، محترم بانو آزادیان، سلبی منصور ثانی، کوبک و گل‌پنبه فقیه عبدالهی، حرمت محمود

بابایی، بمانی مقصودی، مهوش دلفان آذری، بهجت و مروت جعفر صالحی، لب زر القوسی، تاجی مرادثانی، نسرین و فاطمه کاووسی.

به طور کلی طبق برآورد و سرشماری سال ۷۶ تعداد ۶۰۰۰ بافنده در سطح کلاردشت پراکنده‌اند که امروزه شاید ۱۰۰۰ نفر از آنها هم به این امر مشغول نباشند.

اعتقاد بیشتر اساتید کهنه‌کار این رشته، احیاء مجدد قالی‌بافی با اصول سنتی قدیمی است. تقاضای آنها از مسئولان اتخاذ تصمیم‌هایی جدی در مورد قالی منطقه است تا با برپایی کارگاه‌های مجهز و آموزش دوباره جوانان و تضمین فروش بافته‌ها به قیمتی مناسب بار دیگر این هنر سنتی جایگاه اصلی خود را به دست آورد.

در حال حاضر تعاونی فرش کلاردشت به عنوان متولی این فرش مشغول فعالیت است. تحقیقات پیرامون احیاء طرح‌های مختلف، رنگرزی، نقوش سنتی و موضوعات دیگر از سوی نگارنده همچنان ادامه دارد.

امید است با یاری مسئولین و همت اساتید این رشته دوباره شاهد رشد و شکوفایی این هنر سنتی و اصیل در منطقه باشیم.

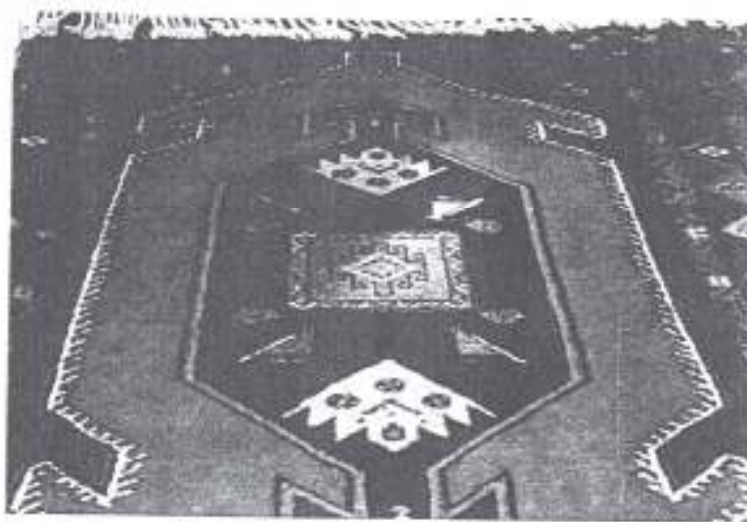
پی‌نوشت‌ها

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹، جلد ۶، چاپ ۱۶، ص ۱۵۸۵.
۲. دهخدا، علی‌اکبر، فرهنگ دهخدا، زیر نظر محمد معین، دانشگاه تهران، دی ۱۳۲۷، جلد ۴۰، ص ۴۹.
۳. ملک‌پور، علی کلاردشت (جغرافیا، تاریخ، فرهنگ)، تهران، کارآفرینان، ۱۳۷۸، ص ۹.
۴. عمید، حسن، فرهنگ عمید (متوسط)، تهران امیرکبیر، ج اول، ۱۳۶۳، ص ۱۲۴۷.
۵. ستوده، منوچهر از آستاران تا استارآباد، تهران، آگاه، ۱۳۴۷، جلد سوم، ج اول، ص ۱۲۶.
۶. (biron_basvn)، بسرون بشم به معنی خارج از یخبندان است. در این معنی دهستان کلاردشت را باید میان بشم به شمار آورد.
۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، همانجا.
۸. پیرنیا، حسن، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، محمد دبیرسیاقی، کتابخانه خیام، ص ۱۳.
۹. جاف، حسن، «بازماندگان ماد، بررسی تاریخی»، مجله تاریخ و تحقیقات ایران‌شناسی، شماره ۲، سال ۱۱، خرداد-تیر ۲۵۳۵ شاهنشاهی.
۱۰. مرعشی، میرسید ظهیرالدین بن سیدنصرالدین، تاریخ طبرستان و دریای مازندران، با مقدمه محمد جواد مشکور، به کوشش محمد حسن تسبیحی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی شرق، آذرماه ۱۳۴۵، ص ۱۹.
۱۱. ملک‌پور، علی، ج دوم، ص ۱۰۴ و ۱۰۳.

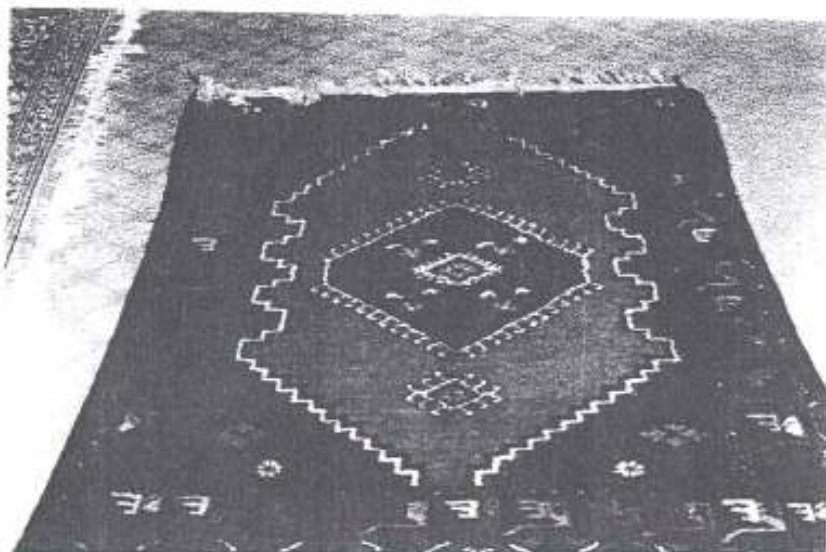
۱۲. شولا نام لباسی است از جنس نمد که چوپانان از آن هم به عنوان لباس و هم پوششی در هنگام خواب استفاده می‌کنند.
۱۳. چارواز به معنی چهار جهت است.
۱۴. پرهام، سیروس، شاهکارهای فرش‌بافی فارس (فارسی - انگلیسی)، تهران، سروش، ۱۳۷۵، ص ۱۹-۱۷.
۱۵. گل شانمی، گلی است که از روی دستگاه حلاجی یا شانمی با اندکی تغییرات وارد نقوش قالی شده است.
۱۶. سگ دست به معنی دست سگ است.
۱۷. پیچاچنگ به معنی چنگ گریه است.
۱۸. جهت داشتن معیاری از قیمت در هر سال دلخواه و به حساب آوردن تورم، قیمت بر حسب دلار آورده شده است.



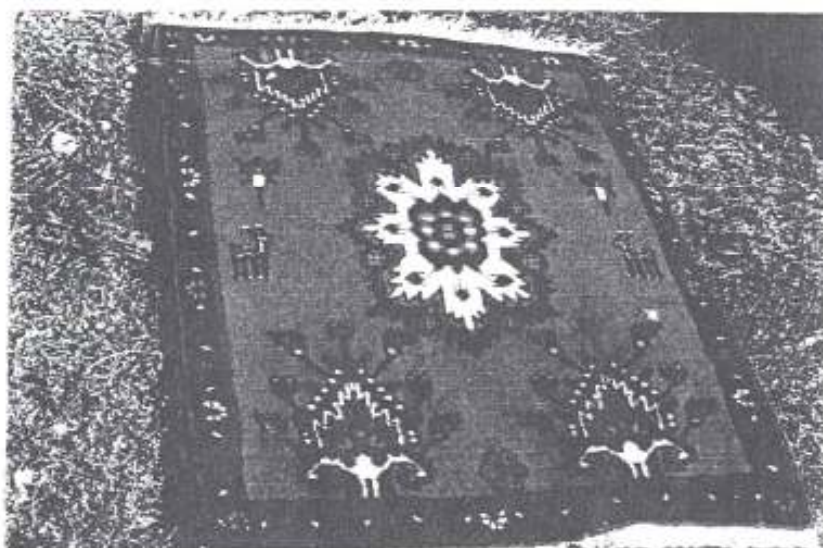
عزج منگول - سبک مگازود



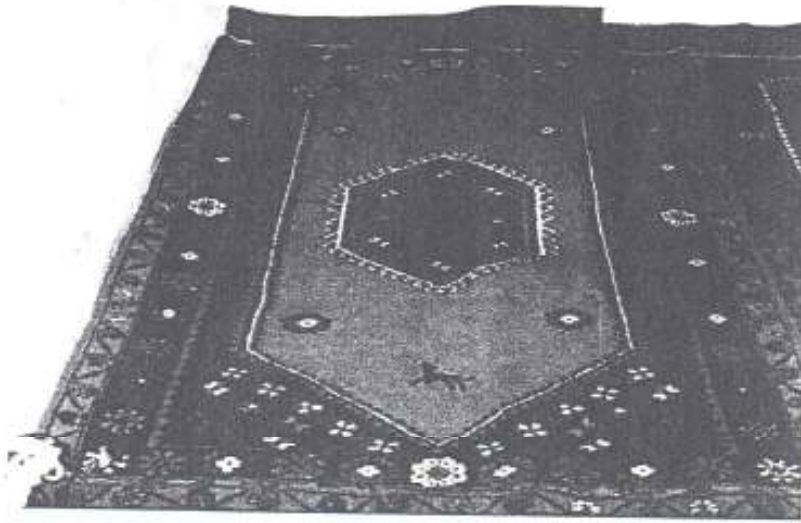
عزج منگول - شیوه استامبول - کتله



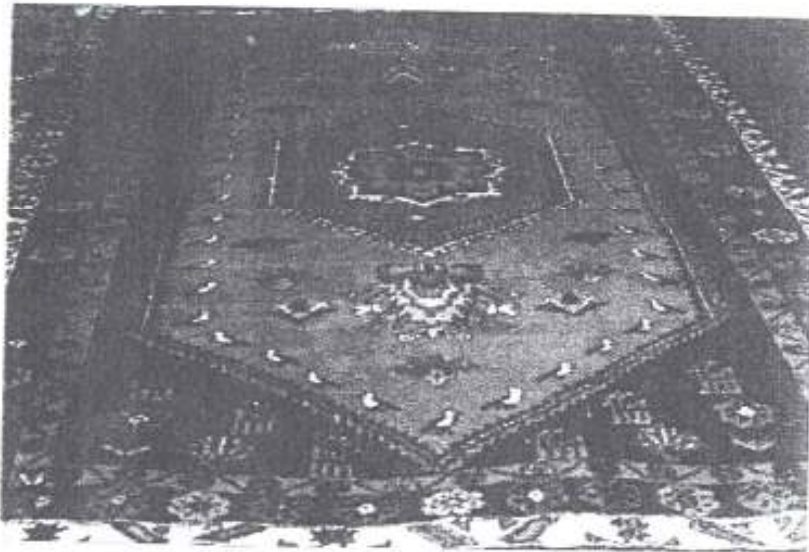
طرح جنگلی - اجمایت



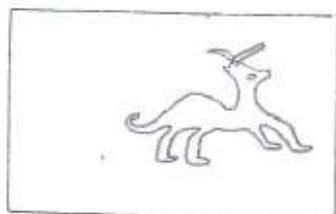
طرح جنگلی - بازارسر



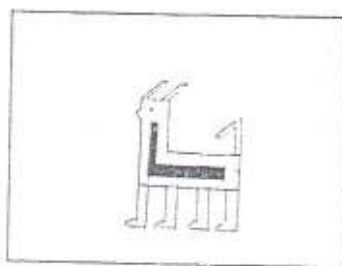
طرح منگلی - کلنو



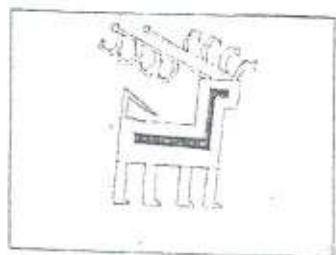
طرح جنگلی - سبک مکاره‌د



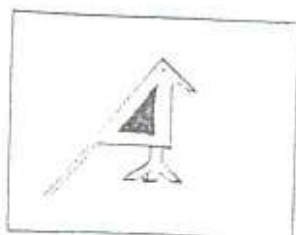
نقشمایه آهو



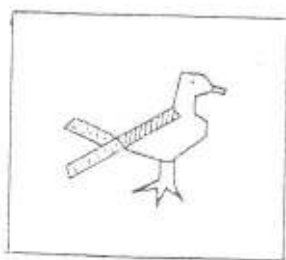
نقشمایه بز



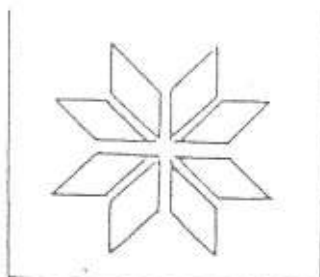
نقشمایه گوزن



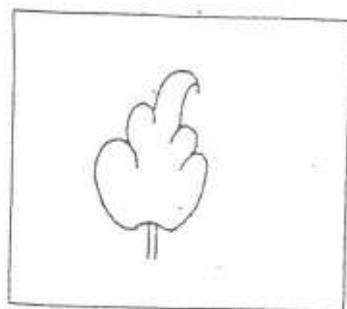
فش «گنجشک» این نقشمایه
شکل قدیمی استفاده از این آرایه است



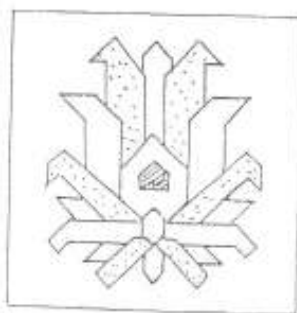
نقشمایهٔ فرش «گنجشک»



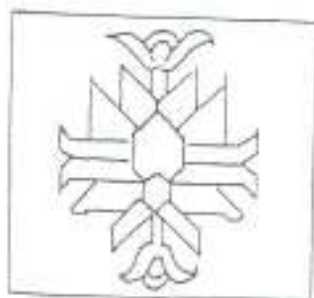
پر طاووس



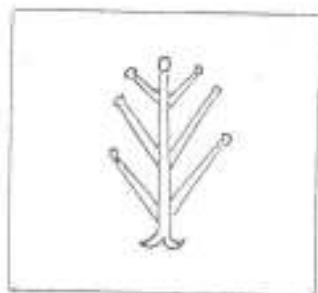
گل لاله



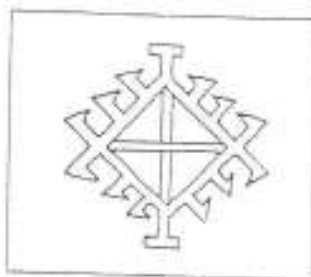
گل شاه‌عباسی



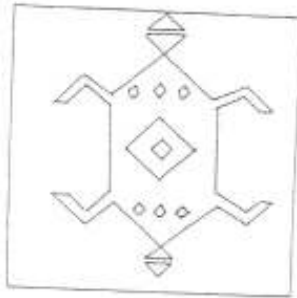
گل پمپال



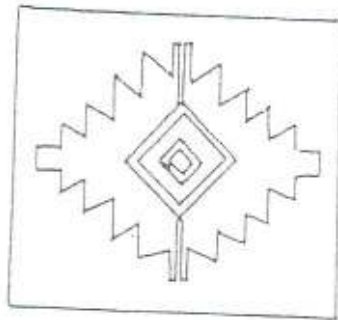
نقشمایه درخت



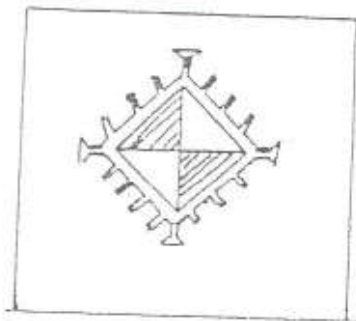
سیدی



آرایه چهار بازویی - سمارو



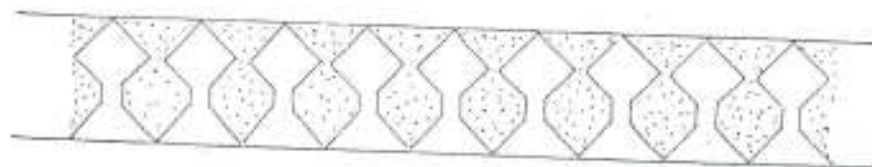
شیرینی خوری



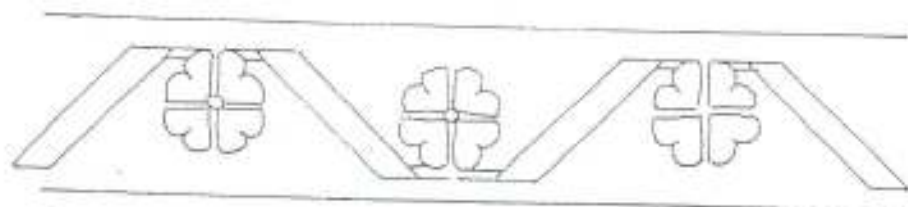
سیدی



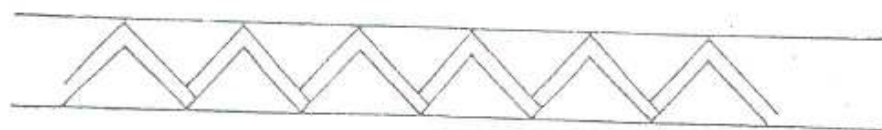
مثلثهای متداخل



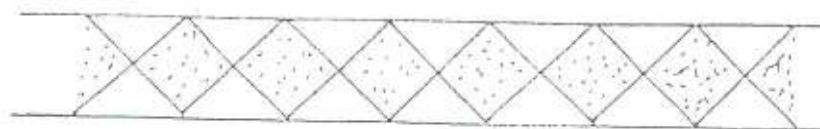
کله قندی یا متداخل



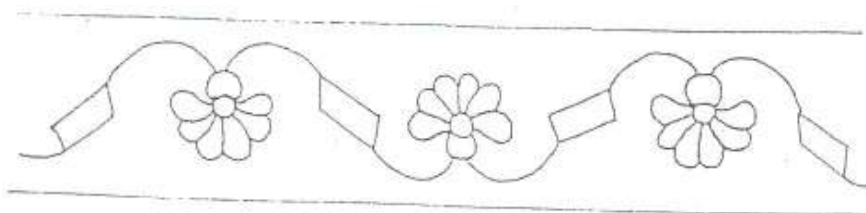
گوجه - خیار



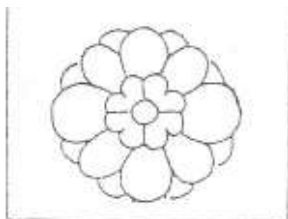
حاشیه زیگزاگی میریکا



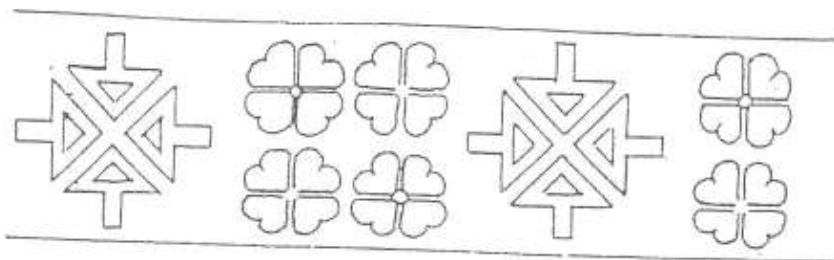
لوزی‌های زنجیره‌ای



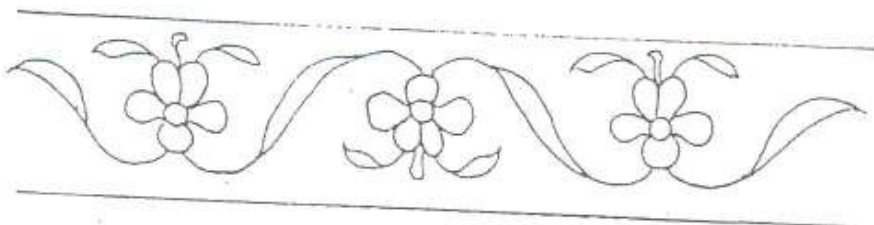
پیچاچنگ



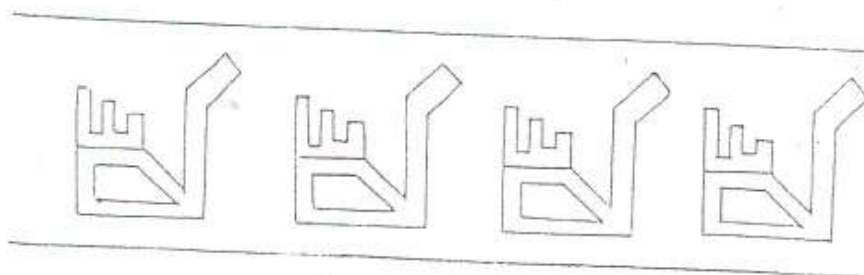
گرگ جنگ



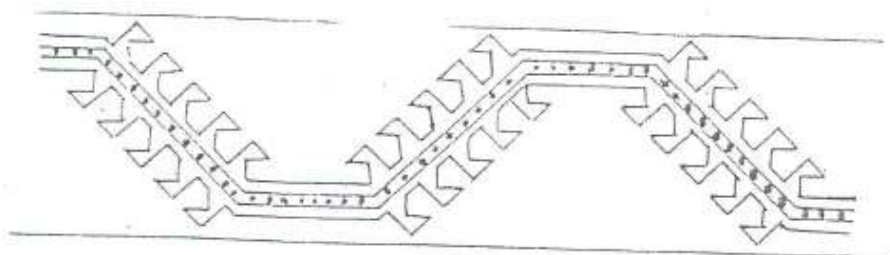
گل چاروار



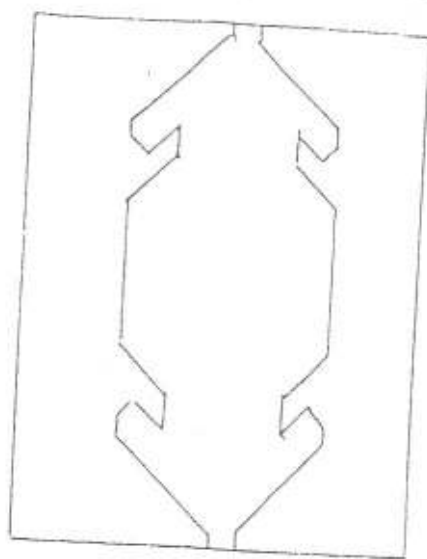
سگ دست



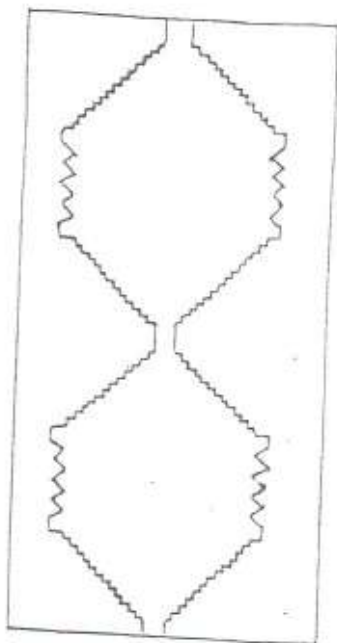
دم روباه



خراسانی

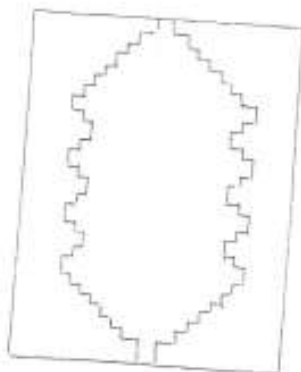


قاب بندی کریم خانی



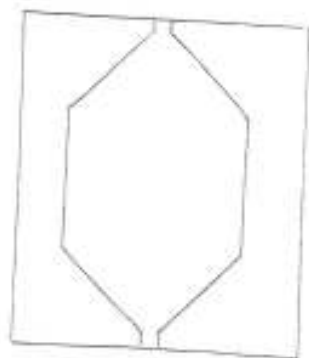
قاب بندی کریم خانی

این نوع قاب در فالی های صندوقی مورد استفاده قرار می گیرد

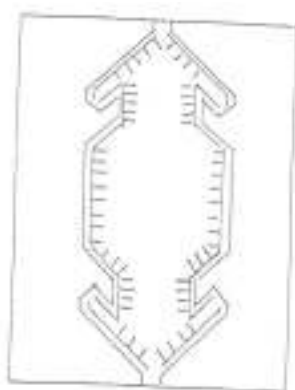


قاب بندی کریم خانی

این نوع قاب بندی در قالب های جنگلی استفاده می شود



قاب بندی کریم خانی



قاب بندی کریم خانی
شیوه اسلامی